

نقش حجاب در کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی با تأکید بر آیات و روایات

بنت‌الهدی افشاری نژاد رودسری^۱

چکیده

بررسی و مطالعه آموزه‌های دینی راهکارهای مختلفی در جهت کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی به دست می‌دهد. در این راستا مقاله حاضر درصدد آن است که به بررسی نقش حجاب در کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی بپردازد و با مصونیت بخشی در حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی در ترویج فرهنگ حجاب مؤثر واقع شود. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر آیات و روایات، نمونه‌هایی از ناهنجاری‌های اخلاقی را که عدم رعایت حجاب می‌تواند بر «ایجاد» یا «تشدید» آن‌ها تأثیرگذار باشد، بیان نموده است. پس از بررسی‌های به دست آمده، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تحقیق حاضر این است که حجاب موجب کاهش برخی ناهنجاری‌های اخلاقی همچون قانون‌گریزی، بی‌حیایی، خشونت علیه زنان، حرص، بی‌غیرتی، جسارت بر ارتکاب گناه، بی‌عفتی، غفلت از خداوند، ضایع کردن حقوق دیگران در حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود. واژگان کلیدی: آثار حجاب، اخلاق، ناهنجاری‌های اخلاقی، انحرافات اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری دین‌پژوهی، دانش‌آموخته سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران.

مقدمه

رمز بقا و سقوط یک ملت از دیدگاه وحی، عقل و تجربه، رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی یا عدم رعایت آن‌هاست (ودادهیر، ۱۳۸۷). سلامت و رشد فرد و اجتماع نیز در پرتو رعایت قوانین الهی و هنجارهای اخلاقی است. حجاب به عنوان امری فطری، برای حیات اجتماعی انسان ضرورت دارد (ر.ک: مریم: ۲۳، یوسف: ۲۳، اعراف: ۲۲)؛ اما در قرن حاضر پدیده نابهنجار بدحجابی - که رو به افزایش است - عامل بروز ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری در حیطه فردی، خانوادگی و به تبع آن اجتماعی شده است (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶). از این‌رو بررسی آن ضروری است تا بتوان در ابعاد توسعه فرهنگ حجاب، شبهه‌زدایی و پرورش بُعد شناختی افراد، از آثار و فواید حجاب در پیشرفت اخلاقی آنان و در نتیجه کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی در حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی و قرب الهی گام‌هایی برداشت. حجاب به عنوان یکی از ضروریات دین همواره مورد توجه بوده است (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۶۵)، اما به راستی آثار حجاب و به طور خاص «نقش حجاب در کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی» چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، می‌توان حوزه‌های مختلف را مورد بررسی قرار داد؛ مانند نقش حجاب در حوزه فردی، خانوادگی، اجتماعی، انحرافات جنسی و اخلاقی که بررسی نقش حجاب در کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی به عنوان یکی از حوزه‌ها و شاید مهم‌ترین آن‌ها باشد. درباره پیشینه تحقق بر اساس بررسی‌های نگارنده، اثر مستقل و جامعی در مورد «نقش حجاب در کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی» یافت نشد، اما در برخی آثار مانند جلد پنجم کتاب آراء اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن تنها به این نکته پرداخته است که «حجاب» به عنوان یکی از عوامل سالم‌سازی جامعه از تحریکات جنسی است. همچنین در فصل سوم کتاب راز حجاب، نگاشته صفی‌یاری به مسئله بدحجابی و فساد اخلاقی اشاره شده است که به نوعی مربوط به موضوع حجاب و کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی نیز می‌شود. در لابه‌لای مطالب کتاب مسئله حجاب شهید مطهری نیز می‌توان نقش حجاب در مسائل اجتماعی و اخلاقی را به صورت پراکنده ملاحظه کرد. مسئله حجاب را از نظر ارتباط با خصوصیات مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان

می‌توان از زوایای مختلف فرهنگی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاسی، فقهی و اخلاقی مورد بررسی قرار داد. در تحقیق حاضر نقش حجاب با دیدگاه نقلی بررسی و آثار و فواید آن و نیز چگونگی کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی به وسیله رعایت حجاب استخراج می‌شود. از این‌رو بایسته است ابتدا مفاهیم ناهنجاری، اخلاق و حجاب بیان و بررسی شود.

مفهوم‌شناسی

برای تبیین نقش حجاب در کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی، شایسته است نخست مفاهیم اصلی مورد بررسی قرار گیرد.

۱. ناهنجاری

گاه برای شناخت درست معنای لغت می‌بایست ضد آن را شناخت. برای شناخت ناهنجاری نیز ابتدا باید هنجار را شناخت. «هنجار» به معنای راه، طریق، روش، راه راست، قاعده آمده است (عمید، ۱۳۷۳، ص ۱۲۰۹) و مراد از آن در اینجا همان راه درست است. ناهنجاری نیز به معنای انحراف از هنجار به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۵۲، ذیل واژه ناهنجاری). با قطع نظر از تعریف واژگانی و تحت‌لفظی، بهنجاری و نابهنجاری حالت و وضعیتی است که در فرد وجود دارد. روان‌شناسان در مقام تعریف، بهنجاری و نابهنجاری را با هم در نظر می‌گیرند؛ زیرا نابهنجاری انحراف از بهنجاری است. بنابراین هر چیزی که بهنجار نیست، نابهنجار است (بینرو هیل، ۱۹۹۹، ص ۷۹۴ به نقل از سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵۶)؛ رفتاری که با رفتار از پیش تعیین شده (بهنجار) و نرمال مطابقت ندارد. ناهنجاری در علوم مختلف، معانی متفاوتی دارد. برای مثال در علم حقوق مترادف با جرم و در علم اخلاق، به معنای هر امری است که با فضیلت‌های اخلاقی و اعتدال رفتاری مخالف باشد.

۲. اخلاق

اخلاق، بر وزن «أفعال» جمع واژه «خُلُق» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۸۶) و «خُلُق» در

لغت (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۵۶) به معنای خوی‌ها، عادات، سجایای پسندیده و خوب به کار رفته است و از صفات نفسانی انسان به شمار می‌رود. همچنین به معنای صفت‌های روحی و باطنی است که در نفس انسانی رسوخ پیدا کرده و به عنوان ملکه برای نفس درآمده است؛ به‌گونه‌ای که افعال خوب یا بد بدون نیاز به تفکر و اندیشه از او صادر می‌شود. هر نوع رفتار و اخلاقی که مخالف با اعتدال باشد و به عرصه افراط و تفریط پا نهد، ناهنجار اخلاقی محسوب می‌شود؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «فضایل بر چهار گونه‌اند: حکمت که موضوع آن فکر است، عفت که موضوع آن شهوت است، نیرو که موضوع آن غضب و عدالت که موضوع آن اعتدال قوای نفسانی است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۸۱). هر صفتی که از این صفات چهارگانه خارج شود، ناهنجار اخلاقی محسوب می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۳۵ - ۳۳).

۳. حجاب

در زبان عربی برای پوشش واژه‌هایی همچون حجاب، ساتر و لباس استفاده شده است. واژه حجاب از ریشه حجب به معنای ستر است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۸۶). ستر نیز به معنای پوشاندن بدن، مستور نمودن، شکل اصلی بدن را از نظر دور داشتن و واضح نساختن آن است. بر اساس گفتار اهل لغت عرب، حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع دیدن شیء پوشانیده شده می‌شود. در زبان فارسی نیز واژه حجاب معانی مختلفی دارد؛ مانند پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را به واسطه آن می‌پوشانند، روی بند، برقع و چادری که به وسیله آن سر تا پای خود را می‌پوشانند (ر.ک: عمید، ۱۳۷۳، ص ۵۵۷؛ دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۵، ص ۷۶۴۰).

فلسفه و آثار حجاب

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب الهی است که به وسیله ترکیه نفس به دست می‌آید. یکی از مصادیق ترکیه نفس، مخالفت با خواسته‌های نفس است. از آنجا که نفس

۱. «الْفَضَائِلُ أَرْبَعَةٌ أُجْنَسُ: أَحَدُهَا، الْحِكْمَةُ وَ قَوَائِمُهَا فِي الْفِكْرِ وَ الثَّانِي، الْعِفَّةُ وَ قَوَائِمُهَا فِي الشَّهْوَةِ وَ الثَّلَاثُ، الْقُوَّةُ وَ قَوَائِمُهَا فِي الْغَضَبِ وَ الرَّابِعُ، الْعَدْلُ وَ قَوَائِمُهَا فِي اعْتِدَالِ قُوَى النَّفْسِ».

انسانی میل به خودنمایی و جلوه‌گری دارد، حجاب و پوشش می‌تواند از مصادیق تزکیه نفس قرار گیرد. مسلم است که هر نوعی از پوشش با هر سبک و سیاق، در بردارنده هدف نیست. بنابراین حجابی مورد نظر است که در تمامی ابعاد بتواند پوششی کامل، بازدارنده و مانع تلذذ نامحرمان باشد. در تفسیر نور با اشاره به آفات بی‌حجابی، مواردی همچون «چشم‌چرانی، هوس‌بازی، فساد، فحشا، سوء‌قصد، تجاوز به عُنُف، بارداری‌های نامشروع، سقط جنین، پیدایش امراض روانی، مقاربتی، خودکشی، فرار از خانه در اثر آبروریزی، بی‌مهری مردان چشم‌چران نسبت به همسران خود، بالا رفتن آمار طلاق، تضعیف روابط خانوادگی، رقابت در تجملات و ایجاد دلهره برای خانواده‌های پاکدامن» (قرائنی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۴۰۱) را نام برده است که به وسیله رعایت حجاب می‌توان از بروز این آفات پیشگیری کرد و این، همان فلسفه وجودی حجاب است.

بنابراین حجاب دو جنبه ظاهری و تعاملی دارد. جنبه ظاهری همان پوشاندن بدن است و جنبه تعاملی از حرکت زن در جامعه پدیدار می‌شود؛ به‌گونه‌ای که پوشش زن عاری از رفتارهای خلاف عفت باشد و خود را مانند متاعی با انواع رنگ و لعاب و مدل‌ها تزئین نکند و در معرض قرار ندهد تا نظرها را به سوی خود جلب کند و در واقع بدحجابی و جلوه‌گری زنان، یکی از عوامل برانگیختن تمایلات در مردان است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «بپرهیز از اینکه خود را برای دیگران بیارایی و به وسیله گناهان با خدا به ستیز برخیزی» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸، ص ۳۶۴). بر این اساس یکی از فلسفه‌های اصلی حجاب، پیشگیری از بروز ناهنجاری‌های اخلاقی و کاهش ناهنجاری‌ها یا همان عدم برانگیختگی تمایلات در مردان است. لوازم و فوایدی را که بر این تحقق خارجی حجاب بار خواهد شد، می‌توان در سه مورد زیر خلاصه کرد:

۱. حجاب عامل آرامش فردی

اولین قدم برای کاهش زمینه آزار زنان، آسیب‌شناسی آن است. قرآن به صراحت حجاب را عاملی برای کاهش زمینه آزار زنان دانسته و فرموده است: «ای پیامبر! به زنان و دختران

۱. «إِنَّكَ أَنْ تَتَرَيَنَّ لِلنَّاسِ وَ تُبَارِزَ اللَّهَ بِالْمَعَاجِي».

و به زنان مؤمنان بگو پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، [به احتیاط] نزدیک تر است» (احزاب: ۵۹).

یکی از سازمان های زنان در آمریکا، زنان را قشر آسیب پذیر در جامعه می داند و برای حضور در جامعه به آنان توصیه هایی می کند که تمام این توصیه ها را می توان در عبارت «محدودیت اجتماعی زنان» جمع کرد. این در حالی است که اسلام با رد کردن «محدودیت اجتماعی زنان»، حجاب را پیش شرط امنیت اجتماعی زنان می داند که زمینه های ناامنی را سلب می کند و افزون بر حفظ آرامش بانوان، آرامش مردان نیز در پرتو حفظ حجاب ایجاد می شود. آیت الله مکارم شیرازی در این باره گفته است: «برهنگی زنان که طبعاً پیامدهایی همچون آرایش و عشوه گری و امثال آن را همراه دارد، مردها مخصوصاً جوانان را در يك حال تحريك دائم قرار می دهد؛ تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آن ها و سرچشمه امراض روانی می گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۵).

۲. حجاب عامل استواری خانواده

خانواده، رکن اساسی اجتماع است. بر این اساس باید هر نوع بهره وری اعم از نگاه، تماس های جسمی و التذاذات سمعی که خود نوعی استمتاع هستند، به محیط خانواده محدود شود. اگر امکان این بهره وری در خارج از محیط خانواده فراهم شود، به طور حتم پیامدهایی را نسبت به خانواده در بر خواهد داشت. نویسنده کتاب فلسفه حجاب می نویسد: آمارهای قطعی نشان می دهد که با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا بالا رفته است؛ چرا که «هر چه دیده بیند، دل کند یاد» و هر چه هوس های سرکش بخواهد، به هر قیمتی باشد؛ به دنبال آن می رود، اما در محیطی که حجاب وجود دارد؛ دو همسر تعلق به یکدیگر دارند و احساسات شان، عشق و عواطف شان مخصوص یکدیگر است. ولی در «بازار آزاد برهنگی» که عملاً زنان به صورت کالا در آمده اند،

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا».

دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد و خانواده‌ها به سرعت متلاشی می‌شوند و کودکان بی‌سرپرست می‌مانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۵).

۳. حجاب عامل آرامش اجتماعی

بسیاری از خیال‌پردازی‌های روح و گاه پریشان‌حالی و آشفتگی درونی آدمی، ناشی از مشاهدات عینی اوست. از همین روست که شهید مطهری در پاسخ به این پرسش که سرّ حجاب چیست؟ گفته است: «اولین خاصیت حجاب، آرامش روانی است. در هر جامعه‌ای که روابط بر اساس عفاف باشد و وسیله تهییج مردان فراهم نشده باشد، این سیر سبب ایجاد آرامش روانی و کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی خواهد شد» (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۴ و ۹۵). آیت‌الله مکارم شیرازی با بیان اینکه گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌حجابی است، فلسفه حجاب را کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی در اجتماع می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۶).

رابطه حجاب با اخلاق

حجاب و اخلاق رابطه‌ای متقابل دارند. میل به حجاب و میل به ارزش‌های اخلاقی هر دو از فطریات اخلاقی هستند که در وجود همه انسان‌ها نهادینه شده است و هر یک بر دیگری آثاری بر جای خواهند گذاشت. برای مثال نوع پوشش افراد در واقع نمادی از پایبندی آن‌ها به ارزش‌های اخلاقی است. حجاب، ریشه در عفت و حیا دارد و در بروز و ظهور این صفات اخلاقی مهم است. از این رو فردی که از حجاب محروم است، از مهم‌ترین صفات اخلاقی نیز محروم می‌شود. کسی که از برخی صفات اخلاقی همچون حیا و عفت تهی باشد، بی‌حجابی و بدحجابی گزینه انتخابی اوست. بدین سان می‌توان رابطه تأثیر و تأثری حجاب و اخلاق را به دست آورد.

آثار حجاب در کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی

رعایت حجاب موجب کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی می‌شود. در ادامه برخی از این آثار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. حجاب عامل کاهش روحیه قانون‌گریزی

حجاب، عامل افزایش روحیه تعبد و اطاعت‌پذیری است و روحیه قانون‌پذیری بی‌چون و چرا را تقویت می‌کند. حجاب، امر خداوند است و شارع مقدس به عنوان یکی از احکام ضروری دین آن را واجب کرده است و باید حفظ شود. حفظ این واجب الهی، اطاعت از او و این اطاعت، حقی است که بر بندگان نهاده است. هر انسان باورمندی باید تعبداً و نه فقط به خاطر حفظ مصالح عمومی و... این حد و حق الهی را ادا کند. یکی از حکمت‌های حجاب نیز سنجش میزان عبودیت، اطاعت و بندگی است. بانوان با حفظ حجاب و پوشش خود و مردها با حفظ نگاه خود می‌توانند اطاعت الهی را که روح و پیام اصلی همه عبادات بشر است، اثبات کنند و بی‌چون و چرا و بدون درخواست حکمت و دلیل در زمره اطاعت‌کنندگان الهی قرار گیرند. همان‌گونه که وقتی که به پزشکی مراجعه می‌کنند، بدون پرسش از دلیل و حکمت تجویز یک دارو بی‌قید و شرط آن را مصرف می‌کنند، در اینجا هم می‌بایست به خاطر علم الهی تسلیم اطاعت او شوند.

حجاب به عنوان فریضه‌ای عبادی، فردی و اجتماعی مانند نماز نیست که چند نوبت در روز اقامه و تمام شود یا مانند روزه نیست که در سال یک ماه واجب شود و دیگر وظیفه‌ای به بار نیآورد. حجاب، فریضه‌ای منشورگونه با ابعاد و اضلاع متفاوت و متنوع است که آثار فقهی، اخلاقی، عرفانی و الهی به دنبال دارد. زنان به واسطه حجاب هم حق الله را رعایت می‌کنند و به حق الله تعدی نمی‌کنند و هم حق خود را رعایت می‌کنند که رسیدن به شخصیت متعالی است و فرصت تعدی از مرز خویشتن را از خود سلب می‌کنند و به این بینش می‌رسند که همسو با فطرت انسانی و بیانگر این حقیقت رحمانی است که اعضای بدن، زن امانتی از سوی خداوند است که به او واگذار شده است. در نهایت به واسطه حفظ حجاب، روحیه

قانون‌گریزی کاهش می‌یابد و حجاب از تبدیل شدن زن به موجودی مصرفی که باعث واژگونی شخصیت زن است، جلوگیری می‌کند و به عنوان یک سد در مقابل کسب لذات قرار می‌گیرد؛ چراکه حرمت زن به خود زن، شوهر، پدر، برادر و فرزندان اختصاص ندارد. حتی اگر آن‌ها نیز رضایت بدهند، قرآن و قانون الهی راضی نخواهد شد؛ از این رو کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دارم؛ چراکه حجاب، حق الله است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۵). امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «لکن خداوند حق خود را بر بندگانش چنین قرار داده است که او را اطاعت کنند»^۱ (شریف‌الرضی، ۱۳۷۳، خطبه ۲۱۳، ص ۲۴۳).

۲. حجاب عامل کاهش بی‌حیایی

صفت حیا، واکنش درونی نسبت به زشتی‌ها یا حالت روانی خاصی است که موجب متانت و وقار در گفتار و رفتار می‌شود. بدین سان شخصیت آدمی نیز وزین‌تر و رفتار او سنجیده‌تر می‌شود و از آنچه با آزادی وی بیگانه است، بیشتر پرهیز می‌کند؛ چنانکه علامه مجلسی درباره حقیقت حیا گفته است: «حیا، ملکه‌ای است که موجب خودداری از کارهای قبیح می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۷۱۷).

حیا موجب صفت عفاف و در نهایت تقوا می‌شود و به انسان بینش روشن می‌دهد تا انسان به دور از اجبار به طور ارادی و خودکار از خطا و گناه بپرهیزد. حیا، ملکه و صفت ثابت و راسخی است که مانع ارتکاب گناه شرعی، عقلی، عرفی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که انسان‌های دارای حیا از خوردن و آشامیدن در کوچه و بازار شرم می‌کنند و یا از پوشش لباس‌های مغایر با متانت و وقار در جامعه به شدت پرهیز می‌نمایند. این در حالی است که عفاف به سبب آنکه حالتی پایدار و ماندگار نیست، به حفاظت و حراست نیاز دارد و اکتسابی و دارای شدت و ضعف است. تقوا نیز مانعی برای ارتکاب گناهان است، اما نه عقلی و عرفی، بلکه صرفاً شرعی؛ بنابراین حیا وسعت بیشتری دارد و سه‌گونه گناه عقلی، عرفی، شرعی را دفع می‌کند و در نهایت آزادی و آزادی از قید و بند گناهان با آن احساس می‌شود و آرامش باطنی را به دنبال دارد؛ چنانکه از امام علی علیه السلام روایت شده است: «حیا، مانع انجام

۱. «و لَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَمَمَهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ».

کارهای زشت و قبیح می‌شود»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۴، ح ۵۴۵۴) و حیا را عامل بازدارنده از معاصی و گناهان و ناهنجاری‌های اخلاقی بیان کرده‌اند. پیامبر اکرم ﷺ نیز فرموده است: «اگر خداوند بخواهد بنده‌ای را هلاک کند، حیا را از او می‌گیرد»^۲ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۹۱). در این روایت بی‌حیایی به عنوان عامل هلاکت معرفی شده است. برای همین است که فرموده‌اند: «بر شما باد به شرم و حیا و دوری کردن از آنچه مردم صالح قبل از شما از آن‌ها دوری می‌کردند»^۳ (همان، ج ۸، ص ۲).

حیا موجب می‌شود فرد در وجودش از اکتفای به امور حلال تجاوز نکند و به واسطه خویشتن‌داری در برابر رویارویی با گناه و معصیت در تمامی حالات از خود مراقبت و از بروز بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی جلوگیری کند و به عفت که حد وسط بین شهوت‌طلبی و خمودگی است، دست یابد.

۳. حجاب عامل کاهش چشم‌چرانی

یکی از اعمال روزانه هر فردی، نگاه است که به صورت ارادی و غیرارادی صادر می‌شود. اگر نگاه همراه با اراده و سپس توجه و تفکر بعد از آن صورت گیرد، دارای آثار و پیامدهای خاص خود است. هر عملی افزون بر شکل ظاهری، شکل باطنی و آثاری در روح انسان دارد. در اصل باطن نگاه کردن، همان روح عملی نگاه یعنی توجه است. توجه نیز به حسب شدت و ضعف دارای مراتب ممکنه‌اش، از آثار و نتایج مختلف و متفاوتی برخوردار است. گاهی توجه خارج از محدوده عقل و شعور است که قادر به کنترل نخواهد بود و آثار و تبعات ناشی از آن، با نام ناهنجاری‌های اخلاقی بروز خواهد کرد و مقدمه رذایل اخلاقی بسیاری می‌شود. حتی اگر نگاه همراه با توجه به انحرافات و لغزش‌ها و معصیت‌های جنسی منتهی نشود، اما همین انحراف توجه موجب سلب توفیقاتی خواهد شد و بر زندگی آدمی بی‌تأثیر نخواهد بود؛ چراکه هر عملی یک اثر وضعی از خود تولید می‌کند و چه خواسته و ناخواسته تأثیر خود را خواهد

۱. «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْحَيَاءِ».

۲. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَرَادَ هَلَاكَ عَبْدٍ نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ».

۳. «عَلَيْكُمْ بِالْحَيَاءِ وَالتَّزَنُّ عَمَّا تَنَزَّهُ عَنْهُ الصَّالِحُونَ قَبْلَكُمْ».

داشت و در مسیر تقرب الهی به منزله دست اندازی است که سرعت را کاهش می‌دهد. بهای یک نگاه آلوده برای مؤمن گران تمام می‌شود و مقدمه‌ای برای سستی ایمان است. هر گاه بانوان بدون حجاب در جامعه حاضر شوند، مردان عادی با چشم چرانی و مقایسه همسران خویش با این زنان که طبیعتاً پیامد آن بی‌رغبتی به همسر و کاهش محبت به او و لطمه به کانون خانواده است؛ زمینه بهانه‌جویی، عیب‌جویی، تحقیر، بی‌احترامی به زنان خویش، عدم رعایت حقوق آنان، بروز اختلافات و در نهایت عدم تربیت نسل جدید و گاهی طلاق عاطفی و رسمی و جدایی را فراهم می‌کند، خانواده را مورد تهدید و سقوط قرار می‌دهد و از آنجا که روحیه مرد تنوع طلب است، زن با بی‌حجابی زمینه را برای آلودگی مردان فراهم می‌کند و موجب بروز ناهنجاری‌های اخلاقی دیگری همچون تحریص، شهوت‌طلبی، خشونت و تعرض به زنان می‌شود. در جامعه نیز چشم‌چرانی عامل بروز ناهنجاری‌هایی است؛ چرا که چشم‌چران فقط به نگاه سیراب نمی‌شود و اگر فرصت پیدا کند، به تجاوز هم دست خواهد زد و حریص‌تر خواهد شد تا جایی که اشیاع‌پذیر نخواهد بود. در این صورت به تدریج بیماری روانی در فرد ظاهر می‌شود و تا آنجا پیش می‌رود که از او یک مجرم خواهد ساخت. از این رو حجاب زن، یکی از عوامل کاهش چشم‌چرانی‌هاست و زن با حجاب خود جلوی هر گونه جلوه‌گری، خودنمایی و عشوه‌گری خود را می‌گیرد و موجب بروز چشم‌چرانی‌ها و ایجاد هزاران پرونده جنایی، غیراخلاقی، ناموسی، فحشا و روابط نامشروع بی‌شمار مطرح در دادگاه‌ها نمی‌شود. منشأ اغلب نفرت‌ها، اشتیاق‌ها، انتخاب‌ها و شهوت‌ها، نگاه است. برخی نگاه‌ها درد، رنج، حسرت، بیماری و نا‌آرامی را به دنبال دارد. در کتاب مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن آمده است: «در قرون وسطی مردم اروپا، طنز و عشوه‌گری زن در مجامع را سحر و جادو می‌دانستند؛ زیرا موجب سلب اراده و اختلال روانی مردان می‌شد» (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۹، ص ۸۵).

آدمی نمی‌تواند از تأثیر شنیده‌ها و دیدنی‌هایش بر مغز جلوگیری کند. این تأثیرپذیری به کمک شبکه اعصاب و فعالیت مغز است و شخص نمی‌تواند با تلقین چندان از تأثیر آن بکاهد. از این رو باید آن را از ریشه منتفی و اصل نگاه را کنترل کرد و در صورت نگاه، حجاب

عامل پیشگیرانه را ایفا می‌کند. در نتیجه این تأثیرپذیری، میزان توجه زن به فعالیت‌های روزانه‌اش کاهش می‌یابد و ذهن او را دچار آشفتگی می‌کند؛ چنانکه حضرت زهرا علیها السلام فرموده است: «بهترین چیز برای زنان این است که مردی آن‌ها را نبیند و آنان نیز مردی را نبینند»^۱ (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۰). امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «چشم، دیده بان عقل و پرچمدار و جاسوس دل است»^۲ (منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۰، ص ۹). به واسطه نگاه در وجود فرد تلاطم پدید می‌آید و فرمان ترشح هورمون محرک غرایز به سراسر بدن صادر می‌شود. آنچه در مغز سبب ترشح هورمون‌ها می‌شود، شاید همان باشد که امام صادق علیه السلام فرموده است: «نگاه پیاپی، بذر شهوت را در دل می‌افشاند و همین برای هلاکت بیننده کافی است»^۳ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۸). نگاه مانند کلید برق عمل می‌کند، نیروی نهفته خواهش‌های نفسانی را در سراسر وجود آدمی به جریان می‌اندازد، فروغ عقل را خاموش می‌کند و ترس از آبروریزی و بزرگی گناه در چشم فرد خوار می‌شود. اگر نگاه با هوس و شهوت آمیخته شود، موجب بروز ناهنجاری‌های اخلاقی بسیاری می‌شود و شخصی که نگاهش را مهار نکند، جز حسرت، آرزوی تمام نشدنی، حرص، غم، اندوه، معصیت، خشم، غضب و ضعف ایمان نتیجه‌ای نخواهد داشت.

۴. حجاب عامل کاهش خشم و خشونت علیه زنان

پوشش مناسب زنان، زمینه تحریکات جنسی را کاهش می‌دهد و به تناسب موجب کاهش مزاحمت‌ها و خشونت‌ها علیه زنان است. یکی از عوامل مهمی که می‌تواند انواع مزاحمت‌ها و خشونت‌ها را کاهش دهد، پوشش بانوان است که همگان را به سوی پیشگیری از انواع مزاحمت‌ها سوق می‌دهد. عوامل مؤثر در پیدایش این خشم عبارتند از: کبر، حرص، بخل، طمع و ... (شبر، ۱۳۷۸، ص ۲۵۲-۲۴۷) که بی‌حجابی عامل هر چهار مورد این‌ها می‌تواند باشد که مرد را به خشم، غضب و کینه‌توزی علیه زنان برساند. وقتی که زنی با بی‌حجابی و

۱. «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ».

۲. «الْعَيْنُ جَاسُوسُ الْقَلْبِ وَ تَرِيدُ الْعَقْلَ».

۳. «التَّظَرُّةُ بَعْدَ التَّظَرُّةِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً».

بدحجابی خود را در معرض دید مرد قرار می‌دهد و در جامعه حاضر می‌شود، از آنجا که زن مظهر جمال و مرد شیفته جمال زن است (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۷۸)؛ زمینه تحریکات جنسی را فراهم می‌کند و موجب مزاحمت‌ها می‌شود.

۵. حجاب عامل کاهش حرص

نویسنده لسان العرب، حرص را به معنی شدت تمایل به چیزی می‌داند. ریشه این کلمه همان «میل شدید به چیزی است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۸) و معادل فارسی واژه حرص، «آز» و صفت مقابل آن، قناعت است (عمید، ۱۳۷۳، ص ۵۲۰). هنگامی که از امام علی علیه السلام پرسیدند: حرص چیست؟ فرمود: «حرص آن است که انسان چیز کمی را جستجو کند که در برابر چیز بسیاری را از دست می‌دهد» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۱۶۷). علمای اخلاق، حرص را از رذایل اخلاقی (توبه: ۱۲۸) و متعلق به قوه شهویه می‌دانند و در تعریف آن می‌گویند: «حرص صفتی نفسانی است که انسان را به گرد آوردن آنچه بدان نیاز ندارد، برمی‌انگیزد؛ بی‌آنکه به حد و مقدار معینی اکتفا کند» (حیدری نراقی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۳۷). بنابراین «حریص» به کسی می‌ماند که به بیماری استسقا مبتلا شده است و هر چه آب می‌آشامد، تشنگی او فرو نمی‌نشیند.

حرص و نامحدودگرایی، یکی از فطریات انسانی است که خداوند متعال در نهاد انسانی قرار داده است: «به راستی که انسان حریص آفریده شده است» (معارج: ۱۹). برخی مفسرین گفته‌اند: «انسان بر اساس قاعده فطری حریص آفریده شده است تا این حرص را در حق به کار ببندد، ولی او این امر فطری را در راه باطل استفاده می‌کند» (صادقی، ۱۳۷۷، ص ۵۶۹). اگر واژه حرص در طریق خیر باشد، ممدوح است و هر گاه در طریق دنیاپرستی باشد، مذموم است؛ اما از آنجا که اغلب از مسیر حقیقی خود به انحراف کشیده شده است، این واژه در معنای منفی به کار برده می‌شود؛ از همین روست که امام سجاد علیه السلام در دعای هشتم صحیفه از شرّ هیجان و برانگیخته شدن حرص به خدا پناه می‌برند؛ چرا که اگر قوه شهویه انسان از اعتدال خارج شود، حرص را در فرد ایجاد می‌کند تا آنجا که فرد به گونه‌ای سیری ناپذیر به دنبال ارضای شهواتش خواهد بود. هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش تر

می‌شود؛ چنانکه امام باقر علیه السلام فرموده است: «شخص حریص به دنیا مانند کرم ابریشم است که هر چه بیشتر ابریشم بر خود می‌پیچد، راه بیرون شدنش دورتر و سخت‌تر می‌گردد. تا اینکه از غم و اندوه در پیله خود می‌میرد»^۱ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳۴).

قناعت، صفت مقابل حرص است؛ به این معنا که فرد به آنچه دارد، هر چند کم قانع و راضی است. این صفت، یک فضیلت اخلاقی و هنجار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۸۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۹۷). مرحوم طبرسی ذیل آیه ۹۷ سوره نحل و در تفسیر حیات طیبه گفته است: «قناعت و رضایت به آن، چیزی است که خداوند تقسیم فرموده است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۹۳). امام علی علیه السلام در پاسخ پرسش از «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» فرموده است: «زندگی پاکیزه (از گناه) برخوردار است»^۲ (شریف الرضی، ۱۳۷۳، حکمت ۲۲۹، ص ۴۸۳).

قناعت که از آثار حجاب است، در کاهش حرص مؤثر است و خود نیز موجب ایجاد فضایل اخلاقی دیگری در وجود افراد می‌شود. حجاب سند آزادی، استقلال، عزت و کرامت برای زن در جامعه و ثمره آن، کاهش ناهنجاری اخلاقی حرص و طمع در جامعه است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «هر فردی که نگاهش را از نامحرم باز دارد، قلب او راحت خواهد بود»^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۶۰).

۶. حجاب عامل کاهش بی‌غیرتی

غیرت، یکی از اصول اخلاقی اسلام و نقطه اعتدال میان دو رذیله اخلاقی خشم و بی‌غیرتی است. غیرت، یعنی طبیعت انسان از مشارکت دیگران در امور مورد علاقه‌اش نفرت دارد و در مراقبت آنچه حفظش از هر گونه تعرض لازم است، تلاش می‌کند. بر این اساس کسی را که فاقد روح واکنش‌گرایانه در برابر تعرض به محبوبش باشد، بی‌غیرت می‌گویند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶-۳۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله غیرت را جزئی از ایمان دانسته و فرموده است: «الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۱۲). امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «به درستی

۱. «مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُوْدُو الْقَرَىٰ كَلَّمَا أَزَادَتْ مِنْ الْقَرَىٰ عَلَى نَفْسِهَا لَهَا كَانَتْ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًا».

۲. «فِي الْإِيمَانِ مَلِكٌ وَجُنْسٌ الْخُلُقِ نَعِيمًا وَ سُبُلٌ صَلَّى عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؟ فَقَالَ: هِيَ الْقَنَاعَةُ».

۳. «مَنْ عَصَى طَرْفَهُ أَرَاخَ قَلْبِهِ».

که خداوند غیور است و انسان غیور را دوست دارد» (همان، ج ۵، ص ۵۳۵). در این روایت فرد غیور محبوب خداوند دانسته شده است و این، نشان دهنده جایگاه والای غیرت در دین اسلام است.

غیرت جلوه‌های مختلفی دارد. گاهی غیرت در برابر نگهداری از اعتقادات، گاهی اخلاقیات، گاهی ملی و گاهی نیز واکنش انسان در مواجهه با تعرض دیگران است که هم از طرف زن و هم مرد صادر می‌شود. عدم غیرت‌ورزی نیز ناهنجاری اخلاقی به شمار می‌آید و خدمتی به مردان هوسران و جرأت دادن به آنان است برای تعرض به حریم بانوان. شهید مطهری نیز گفته است:

«شهوة پرستان از اینکه همسران آن‌ها مورد توجه دیگران قرار بگیرند، نه تنها رنج نمی‌برند؛ [بلکه] لذت هم می‌برند و از چنین کاری دفاع می‌کنند و افرادی که با شهوات نفسانی مبارزه می‌کنند، غیورتر و نسبت به همسران خود حساس‌تر می‌شوند. این‌گونه افراد حتی نسبت به ناموس دیگران نیز حساسند؛ یعنی وجدان‌شان اجازه نمی‌دهد که به ناموس دیگران بی‌حرمتی شود» (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۱۶).

متأسفانه امروزه از طرق گوناگونی از جمله استفاده از موسیقی، ماهواره، سایت‌ها، شبکه‌های تبلیغاتی، مدل لباس، آرایش‌ها و ... روحیه غیرت‌ورزی تضعیف و جای خود را به بی‌غیرتی داده است و دشمنان درصدد پیمانال کردن حرمت زنان و تبلیغ بی‌بندوباری هستند. آن‌ها خوب می‌دانند که راه نفوذ برای سقوط ما از دروازه حجاب و ترویج بی‌حجابی است که در واقع به نوعی آرام آرام با پنبه سر بُردن است؛ یعنی دزدیدن ایمان از دل و نفوذ در چشم، گوش، زبان و ... و جلوه دادن حجاب به عنوان مانعی برای رشد. وقتی روح غیرت‌ورزی تضعیف شد و مردها نسبت به ناموس خود و حفظ حریم بانوان جامعه و زنان نسبت به حفظ حریم خود بی‌غیرت شدند، به راحتی حیا و عفاف را زیر پا می‌گذارند و به دنبال آن، بی‌عفتی‌ها و ناهنجاری‌های دیگری به وجود می‌آید که یکی از آن‌ها، شجاعت کاذب بانوان و جسور شدن آنان در مقابل امر به معروف و نهی از منکر، خودفروشی و عرضه

۱. «إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ مُّبِينٌ كُلُّ غَيُورٍ».

خود به دیگران است که هر کدام ناهنجاری اخلاقی به شمار می‌آید و تنها راه مقابله با این فساد، حجاب است که منجر به کاهش این ناهنجاری‌ها می‌شود.

۷. حجاب عامل کاهش جسارت بر ارتکاب گناه

شجاعت حقیقی یعنی توانایی مهار نفس، کنترل و یا تعدیل حالت افراط و تفریط‌های خُلقی تا آنجا که شخص بتواند در هر مکان و شرایطی از اعتدال اخلاقی لازم برخوردار شود. یکی از مهم‌ترین اعتدال‌های اخلاقی، ایجاد اعتدال در قوه شهوت و غضب است. فردی که نمی‌تواند نفس خود را مهار کند و بی‌باکانه تن به گناه می‌دهد، گرفتار شجاعت کاذبی شده است که یک ناهنجار اخلاقی به شمار می‌آید و موجب به وجود آمدن ردایل اخلاقی می‌شود. سرمنشأ این شجاعت کاذب نیز غفلت و جهالت است؛ مانند رانندگی با سرعت سرسام‌آور در خیابان که نشانه جهالت یک جوان است یا زنی که با بدحجابی خود را در معرض هوس‌های مردان بی‌بند و بار قرار می‌دهد و تا آنجا سقوط می‌کند که عفت خود را از دست می‌دهد، بر ارتکاب معصیت جسور می‌شود، پرده حیا و عفاف و عصمت را می‌درد. بنابراین نه عدم تحمل نگاه‌های آلوده، نشانه ترس است و نه تحمل آن، نشانه شجاعت؛ بلکه بالاترین مراتب شجاعت آن است که فرد از عهده مهار نفس خویش برآید.

شجاعت واقعی از آن زنی است که از عهده مهار نفس خویش بر می‌آید و از خودنمایی در جامعه می‌پرهیزد و با انتخاب حجاب از عصمت و عفت خود محافظت می‌کند. پس هرگاه ترس از روی معرفت و برای کسب ارزش‌ها باشد، معنای شجاعت می‌گیرد؛ زیرا حجاب، نشانه اعراض از خودنمایی و عرضه زن به مرد اجنبی و حد اعلای شجاعت است. زنی که می‌ترسد، اگر مردی حتی از روی شهوت نسبت به او بی‌اعتنا باشد، آزادگی خود را اسیر عنایات مردان آلوده می‌کند و کرامت و اعتماد به نفس خود را در اجتماع از دست می‌دهد و به سبب ذلت و خواری که در خود احساس می‌کند، موجب بروز ناهنجاری‌های اخلاقی می‌شود و همواره با مکر و فریب‌های زنانه و باروش‌های نامعقول و نامشروع به دنبال جلب نظر مردان خواهد بود. بنابراین حجاب، عامل مؤثری در ایجاد شجاعت حقیقی و کاهش ناهنجاری اخلاقی شجاعت کاذب خواهد بود.

۸. حجاب عامل کاهش بی‌عفتی

دو واژه «حجاب» و «عفت» در معنای منع و امتناع، مشترک هستند. تفاوتی که میان منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است. بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی بازداری در عفت مربوط به باطن است؛ زیرا عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به اینکه تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است (باقری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۰۳)؛ میان حجاب و پوشش ظاهری، عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است. بدین ترتیب که هر چه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد، باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌شود. عفاف نیز بدون رعایت پوشش ظاهری قابل تصور نیست و نمی‌توان فردی را که نیمه‌عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود، عقیف دانست. رابطه عفاف و حجاب، رابطه ریشه و میوه است؛ با این تعبیر که حجاب، میوه عفاف و عفاف، ریشه حجاب است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۴). این صفت موجب ایجاد فضیلت اخلاقی صبر است و صبر به معنای خودداری در برآوردن خواهش‌های نفس، در بحث عفت معنای خاصی پیدا می‌کند. اگر صبر و خودداری در مقام شهوت باشد، «عفت» نامیده می‌شود؛ چرا که همیشه در وجود انسان میان انگیزه دینداری و شهوترانی جنگ است که معرکه این میدان، قلب مؤمن است. با این مقدمات می‌توان صبر را این‌گونه تعریف کرد: «ثبات انگیزه دینداری در مقام انگیزه شهوترانی» (شبر، ۱۳۷۸، ص ۳۵۹).

حجاب نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل در خودسازی و تهذیب نفس، نقش بازدارندگی دارد و انسان را از ارتکاب اعمال و رفتاری که با هدف حجاب توأم با عفت و با دستور الهی منافات دارد؛ باز می‌دارد و وی را به رعایت اقتضائات ایجابی حجاب از جمله تقوا، عفت، رعایت حدود الهی و ... سوق می‌دهد. صبر دارای اقسامی است: صبر بر طاعت و صبر بر معصیت. حجاب نقش بسزایی در صبر بر طاعت و صبر بر معصیت دارد. حجاب، صبر بر طاعت است؛ زیرا بانوان همواره میل درونی و غریزی بر خودنمایی دارند و با استفاده

از حجاب، این فرصت را از دست می‌دهند. همچنین استفاده از لباس‌های پوشیده، سختی و مشقت خاص خود را به‌ویژه در فصل تابستان دارد و فرد در سایه صبر است که می‌تواند اجر اطاعت و فرمانبرداری از دستورات الهی را به دست آورد. از این‌رو این فضیلت موجب کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی دیگری می‌شود و در قرآن کریم ارزش این عمل این‌گونه بیان شده است: «کسانی که صبر پیشه کردند و عمل صالح انجام دادند، برایشان مغفرت و اجر بسیاری است» (هود: ۱۱).

زن با حفظ حجاب، و پوشاندن زیبایی‌های خود به عفاف دست می‌یابد و با مدیریت احساس خود، به عقلانیت می‌رسد و اعتدال در شهوت را در خود ایجاد می‌نماید که همان صفت عفت است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «عفاف و پارسایی، زکات زیبایی است»^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۰). همچنین حجاب و عفاف به نوعی عامل صبر بر معصیت نیز به شمار می‌آید؛ از این‌روست که در میان عبادات، برترین لقب یافته است: «برترین عبادات، عفت است»^۳ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۹) و نیز گفته‌اند: «نیکوترین عبادت‌ها، عفت است»^۴ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱). این بینش، نشانه ارزش بسیار آن و در عین حال عمل دشوار در این عرصه است؛ به‌ویژه در دنیای امروز که استعمارگران و حاکمان فاسد بر طبل فحشا و فساد و بی‌عفتی می‌کوبند، رعایت حجاب نوعی جهاد اکبر به شمار می‌آید. بر اساس آموزه‌های دینی، حجاب عقیفانه اندرون انسان را همانند ظاهرش پاک و بی‌آلایش می‌کند و طهارت قلب را به ارمغان می‌آورد. قرآن کریم نیز با دستور بر حفظ چشم، عورت و ...، حفظ عفاف و پاکدامنی را در سطح جامعه مورد توجه قرار داده است (نور: ۳۰).

۹. حجاب عامل کاهش غفلت از خداوند

کسی که از خداوند روی برگرداند، گرفتار مفاسد و معاصی و رذایل اخلاقی چون خودخواهی، خودپرستی و دنیادوستی خواهد شد. این در حالی است که اگر فرد خود را

۱. «إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ».

۲. «زَكَاةُ الْجَمَالِ الْعِفَافُ».

۳. «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ».

۴. «أَحْسَنُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ».

بنده خدا ببیند و به این حقیقت ایمان داشته باشد، خواست خود را بر خواست خدا مقدم نمی‌کند و در ورطه گناه و معصیت نیز نمی‌افتد. آن‌گاه به تدریج با یاد خدا و احساس حضور او رذایل اخلاقی در وجودش از بین می‌رود؛ زیرا ناهنجاری‌های اخلاقی، ارتباط مستقیمی با غفلت از خداوند دارند؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «کسی که بر او غفلت چیره شود، قلبش می‌میرد»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۶۶، ح ۵۷۶۵).

اسلام در مسئله مفاسد اجتماعی و اخلاقی در جامعه، راه ناهنجاری‌های اخلاقی را از سرچشمه می‌بندد و روی نقطه اصلی دست می‌گذارد که حجاب است و زن، با حفظ حجاب پیوسته به نفس خویش نهیب می‌زند و به عنوان یک تذکر دائمی از آن بهره می‌برد. در واقع حجاب یک تذکر ظاهری پیوسته است که موجب بیداری از غفلت درون می‌شود و فرد را از هرگونه رذیله و ناهنجاری اخلاقی محافظت می‌کند. حجاب برای افراد دیگر نیز تذکر به شمار می‌آید و از همین روست که در جامعه از تعرضات به محجبه‌ها خبری نیست و یا به ندرت صورت می‌گیرد؛ زیرا حجاب ظاهری به فرد محجب و بیننده او یادآوری می‌کند که این حریم نباید شکسته شود و حفظ آن، امری ضروری و حق خداوند است. این تذکر موجب کاهش میزان تمایلات به انحراف، کاهش غفلت از حضور و یاد خدا، رفع بی‌عفتی و بی‌حیایی، زوال خودخواهی و شهوت‌پرستی و ارزش قائل شدن برای حقوق دیگران می‌شود. در نتیجه ناهنجاری‌های اخلاقی جای خود را به ارزش‌های اخلاقی می‌دهند. به سبب حجاب است که ضریب ایمنی و اطمینان اجتماعی و میزان حضور بانوان با کارایی و بازدهی مطلوب در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و ... مهیا می‌شود، دیگر به زن با دید یک کالا نگریده نمی‌شود، هرگونه استثمار جنسی و غلبه جنسیت بر انسانیت رخت بر می‌بندد و به جای آن کرامت انسانی زن و آزادگی به زن بر می‌گردد؛ چنانکه خداوند در قرآن کریم فرموده است: «از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند و حال آنکه از آخرت غافلند»^۲ (روم: ۷).

۱. «مَنْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الْغَفْلَةُ مَاتَ قَلْبُهُ».

۲. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ».

۱۰. حجاب عامل کاهش تضییع حقوق

حجاب عاملی برای حفظ افراد جامعه از انحرافات است. یکی از انحرافات، عدم توجه به حقوق دیگران و تعرض به حریم آن‌ها در حوزه فردی و خانوادگی (بی‌توجهی زوجین به حقوق یکدیگر) و در سطح جامعه (تعرض مردان به حقوق اجتماعی و فردی بانوان جامعه و بروز ناهنجاری‌ها و سلب امنیت از افراد کل جامعه) است.

۱.۱۰. حجاب عامل حفظ حقوق فردی

از نگاه قرآنی و اخلاقی، هر فردی در جامعه دارای حقوقی است که دیگران باید آن‌ها را حفظ کنند. یکی از آن حقوق، حفظ حجاب و حفظ حریم فردی افراد است. با رعایت حجاب، این حق را به دیگران یادآوری می‌شود که برای حفظ امنیت و آسایش روانی و کاهش تعرضات و بی‌بندوباری ارزش‌قائل باشند.

۲.۱۰. حجاب عامل حفظ حقوق خانوادگی

هر یک از زن و شوهر حق و حقوقی بر یکدیگر دارند که از جمله آن حقوق، «آرامش، رفاه، محبت، مودت، انس، الفت، رفع نیازهای غریزی، نشاط و ... است» (حیدری نراقی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۹ و ۲۷۰). حجاب به عنوان یک عامل مهم و اساسی در استحکام و آرامش خانواده است که به واسطه آن، هرگونه استمناعات و التذاذات محدود به محیط خانواده می‌شود و به هر یک از طرفین این اعتماد را هدیه می‌دهد که او تنها کسی است که مورد عنایت و علاقه شریک زندگی خود است؛ در حالی که در جوامع غربی سیستم‌های آزادی، رقیب، مزاحم و ... امنیت خاطر زوجین را از بین می‌برند و پایه‌های خانواده را متزلزل می‌کنند.

خداوند با تشریح قانون حجاب و عفاف در پوشش، نگاه، کلام، در واقع استحکام بنیان خانواده و حفظ حقوق زوجین را تضمین کرده و به واسطه حفظ حجاب خواسته است کارکرد جنسی خانواده و ارضای غرایز در خانواده تأمین شود؛ چراکه اگر سطح ارضای عواطف و غرایز در خانواده باشد، رابطه میان زن و شوهر مبتنی بر اخلاق و رفتار صحیح خواهد شد و این مسئله از دو بُعد «جذب و محبت بیشتر آن دو به یکدیگر» و «تأثیر آن در تکوین و شکل‌گیری شخصیت سالم و شایسته فرزندان» دارای اهمیت است.

آرامش اعضای خانواده به میزان تأمین نیازها و خواسته‌های فطری و طبیعی آن‌ها منوط است. هر اندازه به آن‌ها پاسخ مثبت داده شود، به همان نسبت از آرامش روانی و آسایش جسمی برخوردار خواهند شد. کسی که از چنین آرامشی بهره‌مند باشد، توانایی ایجاد آرامش برای همسرش را نیز دارد و هرگز در عرصه اجتماع به ناموس دیگران دست‌درازی نخواهد کرد. وقتی زنی در پرتو عواطف همسرش اشباع و نیازهای روحی، عاطفی، جسمی و غریزی اش رفع می‌شود، دیگر نیازی به خودنمایی در جامعه ندارد؛ چرا که سلامت روانی ارتباط تنگاتنگی با خودباوری و ارزش‌مداری دارد. زن در سایه این آرامش دیگر نیازی به جلب نظر دیگران ندارد تا حقارت درونی خود را جبران کند. از این‌رو جامعه در محیطی سرشار از امنیت، معنویت، عفت، حیا و غیرت به سوی کمال گام بر می‌دارد و سلامت جامعه تضمین می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آموزه‌های قرآنی و روایات معصومین علیهم‌السلام، افزون بر توجه ویژه شارع مقدس به امر حجاب، یکی از فلسفه‌های حجاب مصونیت از گناه و انحرافات اخلاقی است که برای هدف غایی قرب الهی و اهداف واسطه‌ای همچون آرامش فردی، خانوادگی و اجتماعی ضروری است. انسان‌ها در زندگی اجتماعی و تعامل با افراد به «حجاب» و «اخلاق» نیازمندند و برای اینکه حرکت جامعه در مسیر پیشرفت دچار انحرافات اخلاقی نشود، این دو باید با هم ارتباط دوسویه داشته باشند تا از هرگونه ناهنجاری اخلاقی در امان بمانند. حجاب موجب پیشگیری یا کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی بسیاری مانند بی‌حیایی، بی‌عفتی، چشم‌چرانی، حرص، غفلت از خداوند، جسارت بر ارتکاب گناه، شجاعت کاذب، کاهش خشم و خشونت علیه زنان، قانون‌گریزی، تزیین حقوق و... می‌شود. با رعایت حجاب، بیشتر ناهنجاری‌های اخلاقی از بین خواهد رفت و بی‌حجابی به تنهایی می‌تواند ریشه و پایه بسیاری از انحرافات و ناهنجاری‌های اخلاقی باشد. از آنجا که در یک مقاله شرایط بررسی همه ناهنجاری‌های اخلاقی وجود ندارد، پیشنهاد می‌شود در این خصوص پژوهش‌های دیگری صورت گیرد تا نقش و تأثیر حجاب در کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی دیگر نیز تبیین شود.

فهرست منابع

فارسی

۱. باقری، خسرو، (۱۳۸۵ش)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ اول، تهران: مدرسه.
۲. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۹ش)، کتاب شناخت اخلاق اسلامی، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ش)، زن در آئینه جلال و جمال، چاپ اول، قم: دارالمهدی.
۴. حیدری نراقی، علی محمد، (۱۳۸۶ش)، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، چاپ هفتم، تهران: مهدی نراقی.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۵۲ش)، لغت نامه، چاپ اول، تهران: سازمان لغت نامه دهخدا.
۶. سالاری فر، محمدرضا، محمدصادق شجاعی، سید مهدی موسوی اصل و محمد دولتخواه، (۱۳۹۰ش)، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. شبیر، سید عبدالله، (۱۳۷۸ش)، کتاب الاخلاق، ترجمه محمدرضا جباران، چاپ سوم، قم: هجرت.
۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۳ش)، نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، تهران: مرکز نشر آثار فیض الاسلام.
۹. عمید، حسن، (۱۳۷۳ش)، فرهنگ عمید، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
۱۰. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴ش)، آشنایی با قرآن، قم: صدرا.
۱۲. محبوبی منش، حسین، (۱۳۸۶)، «تحلیل اجتماعی مسئله حجاب»، نشریه مطالعات راهبری زنان، ش ۳۸، ص ۱۳۴-۸۸.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۴. مهدی‌زاده، حسین، (۱۳۸۱ش)، حجاب‌شناسی، چاپ اول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۵. ودادهیر، ابوعلی و غلامعباس توسلی، (۱۳۸۷)، «معیارهای رفتار اخلاقی در انجام کار عملی (تأملی بر جامعه‌شناسی اخلاق در علم- فناوری مرتن و رزینک)»، فصلنامه اخلاق در علم و فناوری، دوره ۳، ش ۳ و ۴، ص ۱۷-۶.
۱۶. هاشمی رکاوندی، مجتبی، (۱۳۷۹ش)، مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن با نگرش علمی و اسلامی، چاپ سوم، قم: نشر شفق.

عربی

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ترجمه جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دارالکتب الإسلامیة.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت- دمشق: دار القلم- الدار الشامیة.

۴. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۷۷ ش)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ اول، قم: مکتبه محمد الصادقی التهرانی.
۵. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۰ ش)، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ ش)، الاصول من الکافی، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش)، عیون الحکم و المواعظ، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. _____، (۱۳۶۸ ش) بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی بیروت.
۱۳. منسوب به امام جعفر صادق ﷺ، (۱۴۰۰ ق)، مصباح الشریعة، چاپ اول، بیروت: الاعلمی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی